

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۷، تابستان ۹۹

بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در شهرکرد بر مبنای جایگاه مدیریت شهری

دریافت مقاله: ۹۷/۸/۷ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۶

صفحات: ۲۰۵-۲۲۲

پژمان محمدی ده چشمه: مربی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.^۱

Email: mohamadi.pezhman@yahoo.com

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در شهرکرد بر مبنای جایگاه مدیریت شهری می‌باشد. پژوهش از لحاظ هدف (نوع استفاده) یک تحقیق کاربردی است. روش مورد استفاده در این تحقیق یک روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش در این تحقیق شامل ساکنان شهرکرد می‌باشد و محدوده آماری کل منطقه در بردارنده شهرکرد می‌باشد. تعداد جامعه آماری برابر با (۱۶۰۰۰۰) در نظر گرفته شده‌اند. تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شدند. داده‌های گردآوری شده بر اساس آزمون تی تست و فریدمن با نرم افزار spss و تحلیل مسیر معادلات ساختاری با AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج بیانگر آن است که بر اساس تحلیل مسیر معادلات ساختاری مدیریت شهری بر شاخص اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۲، بر شاخص اقتصادی با ضریب مسیر ۰/۸۵ و بر شاخص زیست محیطی با ضریب مسیر ۰/۳۰ اثرگذار بوده است. بر این اساس شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و شاخص اجتماعی کمترین تاثیر را پذیرفته است. بر اساس آزمون تی تست شاخص اقتصادی در بهترین وضعیت و پس از آن شاخص مدیریت، شاخص اجتماعی و در مرتبه آخر شاخص زیست محیطی قرار دارد. بر اساس آزمون فریدمن هم مشاهده گردید که شاخص اقتصادی دارای رتبه نخست، شاخص اجتماعی رتبه دوم و شاخص زیست محیطی دارای رتبه سوم می‌باشد.

کلید واژگان: زیست‌پذیری، شهر، مدیریت شهری، شهرکرد.

۱. نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری.

مقدمه

رشد بی رویه جمعیت، افزایش شهرنشینی و مصرف بیش از حد و غیر مسیولانه انرژی های فسیلی، بویژه در دهه های اخیر حیات شهرها را به عنوان بزرگترین مصرف کننده منابع طبیعی مورد تهدید جدی قرار داده است. از این رو توجه به پایداری به یکی از مباحث مهم در ادبیات شهرسازی جهان بدل گشته است (حمزبی، ۱۳۹۷: ۶). توسعه دربرگیرنده مفهومی پر چالش جهت برآوردن نیازهای امروزی انسان بدون تضعیف توانایی های نسل بعد در تامین نیازهایشان برای رسیدن به پتانسیل های یک زندگی سالم و سازنده است (مانرو، ۱۹۹۵: ۳۱). این مفهوم شامل سه جزء اصلی محیط زیست، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی با تاکید بر انسان محوری است. انسان در توسعه پایدار محور توسعه معرفی می شود و این مفهوم در اعلامیه "ریو" و دستور کار ۲۱ انعکاس یافته است (یو ان سی، ۱۹۹۲). توسعه روزافزون جمعیت شهری و جایگزینی رویکردهای کیفی به جای توجه به استانداردهای کمی باعث طرح موضوعاتی نظیر کیفیت زندگی شهری و زیست پذیری شهری شده است که نقش مسئولین و مدیریت شهری در این زمینه حائز اهمیت می باشد و نیاز به بررسی همه جانبه و در ابعاد مختلف در شهر است. سکونتگاه زیست پذیر را به عنوان مکان مناسب برای کار و زندگی تعریف نموده اند. زیست پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تامین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیر مادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی های عموم شهروندان تلقی می شود (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می بخشد شامل برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفرج و قدرت بخشیدن می باشد (Cities PLUS, 2010). همگام با دستور کار پایداری، زیست پذیری به عنوان یکی از ایده های مطرح در مطالعات شهری اخیر ارایه شده است (فیروزبخت و همکاران، ۱۳۹۷: ۱). زیست پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تامین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیر مادی است که این نیازها شامل زیر ساخت ها، مسکن مطلوب، هوای پاک، شغل مناسب، فضای سبز و عمومی، دسترسی به خدمات، قابلیت حرکت پیاده، تنوع، امنیت، پایداری، هویت، حس تعلق به مکان و ... است (جهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). زیست پذیری هم جنبه های کمی و کیفی مانند چگونگی توزیع کالا و خدمات و نیازهای مادی انسان و هم جنبه های ذهنی و کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی و کلیه نیازهای معنوی انسان را در برمی گیرد (شماعی پور و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۷۴). چهار شاخص تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی، نرخ بیکاری و ثبات سیاسی عمده ترین شاخص های زیست پذیری در سال ۲۰۰۵ می باشند (اکنومیست، ۲۰۰۵). در واقع اینکه چگونه باید و می توان زیست که بهترین منفعت را از زندگی کسب کرد. شاید به قدمت توانایی آدمی برای اندیشه در مورد آینده و عبرت گرفتن از گذشته باشد. (بهمنی، ۱۳۸۹: ۳۶). زیست پذیری شهری یکی از بزرگترین انگاره های برنامه ریزی شهری دوران معاصر است که هدف آن مطلوب کردن شرایط زندگی در بین تمامی ساکنین است (نوریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱).

در این میان شهرکرد نیز به دلیلی موقعیت قرارگیری در مرکز استان چهارمحال و بختیاری و نزدیکی به مرکز کشور، در سالهای اخیر به عنوان یک شهر مهاجرپذیر عمل نموده است به طور کلی طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۲۶،۰۴ درصد به جمعیت آن افزوده شده است و نیازمند به برنامه ریزی متناسب برای ایجاد شرایط زیستی در شهر می‌باشد. این در حالی است که در سالیان اخیر و با توجه به نرخ بالای مهاجرپذیری این شهر و نیز عدم مدیریت و برنامه‌ریزی اصولی و مناسب، شهرکرد با چالشها و مشکلات متعددی مواجه شده است که این شهر را از نظر زیست‌پذیری در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار داده است، چنانکه مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته حاکی از این واقعیت است که در شهرکرد ساخت و سازها و پراکنش فضایی کاربریها بسیار نامتوازن و ناهمگون می‌باشد، وضعیت دفع پسماندهای صنعتی و بیمارستانی نامناسب و توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه مدیریت شهری در این شهر در وضعیت نامطلوبی قرار دارد که این عوامل بر اساس نبود مدیریت جامع و حل‌گرا به صورت مشکلات و مسائل حاد برای شهر رخنمون شده است. همچنین توزیع نابرابر امکانات، نتیجه اجتناب‌ناپذیر تمرکزهای شدید جمعیت، فعالیتها و خدمات در بعضی مناطق و وزن کم و ناموزون جمعیت، فعالیتها و خدمات در مناطق دیگر است که باعث تشدید جریانهای جمعیتی گردیده و مسئولان و مدیریت شهری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. این پدیده باعث منفعل ماندن مناطق حاشیه‌ای و مناطق میانی در جریان حیات اقتصادی مناطق، متحرک شدن بیش از پیش جمعیت شهر و غیرقابل مهار شدن رشد جمعیت شهر شده است. طبیعی است که تمرکزهای فزاینده مذکور، در مرحله اجرا مشکلات زیادی را برای مدیران و تصمیم‌گیران به وجود آورده است. بر همین اساس به نظر میرسد هیچ طرح و برنامه‌ای بدون توجه به پخشایش صحیح امکانات و خدمات اجتماعی قادر به غلبه یا جلوگیری از تشدید نابرابری‌ها و عدم تعادلها در سطح شهرکرد نخواهد بود. بنابراین درک رویکرد زیست‌پذیری می‌تواند نحوه پخشایش امکانات و خدمات را با بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق مختلف نسبت به همدیگر روشن سازد. در این راستا ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری می‌تواند وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی شهرکرد را به صورت تطبیقی نشان داده، آنها را از نظر وضعیت امکانات، خدمات و نیز تنگناهای شهری رده بندی کرده و اولویت بخشند. بدین ترتیب به کمک این شاخصها می‌توان قابلیتها و تنگناهای زیست‌پذیری شهرکرد را از منظر میزان بهره‌مندی از خدمات، زیربناها و... بررسی کرده، تا از این طریق ابزار لازم را برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و تعیین اهداف توسعه شهری فراهم نمود. این امر در دنیای کنونی با توجه به اهمیت ویژه به قابلیت زیست‌بودن یک مکان، محیط زیست پویا و... به عنوان فاکتورهای مهم و اثرگذار در فرایندهای سکونت‌گزینی و ارتقای رتبه بندی جهانی و ملی در زمینه کیفیت زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که در بازه زمانی کنونی بسیار مهم و قابل‌تأمل است. این امر در شهرکرد به عنوان یکی از شهرهای میانی و اسط بین منطقه مرکزی و غربی کشور، قرارگیری در منطقه معتدل کوهستانی و در موقعیت روبه رشد شهری و جمعیتی نوین و تازه رشد یافته برای دریافت کیفیت زندگی سالم، شهر پویا و زیست‌پذیر نیازمند برنامه ریزی و درک جایگاه صحیح زیست‌پذیری نموده که نقش برنامه ریزی و مدیریت امور حائز اهمیت بوده که باید مدیریت شهری این نقش مهم را به خوبی ایفا نماید.

در زمینه موضوع پژوهش تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: ساسان پور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش و ارزیابی زیست پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران» پرداخته نتایج بیانگر آن است که در بین مناطق بیست و دوگانه کلانشهر تهران استانداردهای زندگی که نشان از قابلیت زندگی بهتر و با کیفیت تری می‌باشد در مناطق یک و سه کلانشهر تهران وضعیت مطلوب تری دارند. در مقابل منطقه بیست که استانداردهای زندگی در آن حداقل می‌باشد؛ قابلیت زندگی غیر قابل قبولی را برای ساکنانش به همراه دارد. محمدی و بهرامی (۱۳۹۳) در تحقیقی به ارائه الگوی فضایی توسعه شهری بر مبنای اصول شهر زیست پذیر (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران) اقدام نمودند که نتایج بیانگر آن بود که برای زیست پذیر نمودن منطقه باید با نگاهی به الگوهای بومی، از تجارب جهانی به خوبی استفاده نموده و موارد مشابه به خوبی دریافت گردیده و بر مبنای آن به برنامه ریزی در راستای ایجاد یک منطقه زیست پذیر اقدام نمود. یوسفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست پذیری» بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته اند که شاخص‌های کیفیت زندگی به طور وسیعی با زیست پذیری و اصول مربوط به آن در ارتباط می‌باشند و شاخص‌های زیست پذیری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری حرکت می‌کند. پری خواه زمهر و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان» بر اساس روشی تحلیلی-کاربردی به این نتیجه دست یافته اند که رضایت مطلوبی از مولفه‌های مورد بررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد. جیکویز (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی پرداخته که که چهار شرط اصلی برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی و زیست پذیری شهری لازم است: ۱ ترجیحاً محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد، ۲ غالب بلوک‌ها کوتاه باشند، ۳ منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد، ۴ تراکم فشرده کافی مردم، صرف نظر از علت حضورشان، وجود داشته باشد. دو چازل (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان نگرش سیستمی به زیست پذیری و پایداری، با نگرش سیستمی و بر مبنای خواسته‌ها و آرزوهای انسانی به تحلیل تفاوت موجود بین دو مفهوم زیست پذیری و پایداری پرداخته است و بر این مبنا چنین می‌گوید زیست پذیری عبارتست از وضعیت خواسته‌ها در ارتباط با رضایت از زندگی در یک مکان خاص برای یک فرد و یا یک گروه از افراد در حال حاضر، اما پایداری ظرفیت تحقق خواسته‌ها برای یک فرد یا یک گروهی از افراد در طی زمان است. بون وان (۲۰۱۵) در طرح پژوهش خود تحت عنوان ده اصل اساسی برای شهرهای قابل زیست با تراکم بالا (مطالعه موردی سنگاپور)، ده اصل را برای شهرهای زیست پذیر بدین شرح معرفی می‌کند: اصل اول: برنامه ریزی برای بازسازی و رشد درآمدت، اصل دوم: پذیرفتن تنوع؛ اصل سوم: نزدیک کردن طبیعت به مردم، اصل چهارم: توسعه واحدهای همسایگی اصل پنجم: ایجاد فضاهای عمومی اصل ششم: ایجاد حمل و نقل و ساخت وساز متناسب (پیاده محوری)، اصل هفتم: تعدیل تراکم با تنوع گزینی و مرزهای سبز اصل هشتم: فعال نمودن فضاها برای امنیت بیشتر اصل نهم: تقویت راه حل‌های نو و بومی اصل دهم: تقویت اصل مشارکت با پیوند دولت، بخش خصوصی و شهروندان.

لذا پژوهش حاضر در پی برخورد با مسائل و چالش‌های مذکور و در صدد پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین مطرح شده در زمینه پیوند عوامل و متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی مرتبط با نقش مدیریت شهری در زیست‌پذیری شهری در شهرکرد شکل گرفته است تا میزان نقش و مطلوبیت هر یک از شاخص‌های زیست‌پذیری را سنجیده و برای برنامه‌ریزی متناسب به اولویت بندی آنها پرداخته است.

مبانی نظری

به طور کلی زیست‌پذیری شهر در این فرایند به عنوان کیفیت زندگی تجربه شده توسط ساکنان یک شهر و یک منطقه تعریف می‌شود. در چنین زمینه‌ای پایداری عبارت است از توانایی تقویت کیفیت زندگی که ما برای آن ارزش قائلیم (Timmer&Seymora, 2012: 22). بر این اساس زیست‌پذیری یکی از مباحث و تئوری‌های اخیر در برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که مانند دیگر تئوری‌های نوین مثل شهر توانا، شهر خلاق، شهر پایدار، شهر تاب‌آور، ما را به سوی داشتن شهری مطلوب‌تر برای زندگی و توسعه شهری پایدار رهنمون می‌سازد (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۳). هدف اصلی این رویکرد شهرسازی ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهر در تمام جنبه‌های زندگی است که با موضوعات متعددی سر و کار دارد. از این رو وجوه اشتراک متعددی با مباحث کیفیت زندگی توسعه پایدار، شهر سبز و دیگر نظریات جدید شهرسازی می‌تواند داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۳: ۴). زیست‌پذیری و توسعه پایدار مفاهیم و رویکردهایی هستند که در نهایت شهری به دور از انواع آلودگی‌ها، ترافیک، مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد (جعفری اسدآبادی و عزیزی، ۱۳۹۳: ۱). ویلر در تحقیق خود در کالیفرنیا تهدیدهای متعدد از میان برنده‌ی کیفیت زندگی شهری را که به صورت رشد شهری، ازدحام و شلوغی، کمبود فضاهای باز، کمبود خانه‌سازی در حد استطاعت، رشد بی‌عدالتی اجتماعی و از دست دادن هویت کالبدی، حس مکان و زندگی اجتماعی تجلی یافته است (ویلر، ۲۰۰۱).

وجود مشکلاتی مانند ضعف منابع درآمدی، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی، سنگینی ترافیک و تراکم خودروها و اتلاف وقت شهرنشینان در تردهای شهری، کمبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، کمبود مراکز درمانی، گرانی و کمبود مسکن مناسب، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری اجتماعی، تغذیه نامناسب، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی محیط، کمبود فضای سبز، کمبود امکانات فرهنگی، ورزشی و فراغتی، جرائم، ناامنی و آسیب‌های اجتماعی و... زندگی شهری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و بر لزوم توجه به زیست‌پذیری شهری بیش از پیش افزوده است (خادمی و جوکار سرهنگی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). مطالعات نشان می‌دهد که از یک سو ضرورت و اهمیت پرداختن به زیست‌پذیری شهری در ارتباط با وظایف جدید برنامه‌ریزی در پاسخ‌دهی به نیازهای جامعه و مدیریت شهری قابل بررسی می‌باشد (Wheeler, 2006: 254). هرچه شرایط، کیفیت، شاخص‌ها و خدمات ارائه شده با نیازهای شهروندان منطبق‌تر باشد، میزان زیست‌پذیری فضای شهری بالاتر خواهد بود (صادقلو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۲: ۴).

شهر مطلوب و قابل زندگی، اشاره به شهری دارد که توسط ساکنان آن تجربه شده است. با توجه به نظریه لوتیس مامفورد، سرزندگی، مترادف با استاندارد زندگی نیست، علاوه بر تامین آب سالم، هوای پاک، غذای کافی و سرپناه، شهر قابل زندگی باید احساس در یک جامعه بودن را بوجود آورد و امکانات مهمان نوازانه را به همه به خصوص جوانان ارائه دهد (آسایش، ۱۳۸۰: ۴۷)، به منظور توسعه مهارت‌های اجتماعی، احساس استقلال و هویت. همچنین شهر قابل زندگی باید با ارائه محیط‌های مساعد برای شناخت فرهنگ‌های مختلف و افزایش احساس خوب بودن، از طریق تجربه‌های فردی، زیبایی شناسی و شادمانی، موجب کاهش عدم اعتماد در جامعه شود. ده ویژگی از ویژگی‌های شهر قابل زندگی و زیست پذیر به شرح زیر است:

۱- جوهر زیست پذیری یک شهر در فضاهای عمومی شهری یافت می‌شود و همچنین کیفیت زندگی اجتماعی که آنها را پشتیبانی می‌کند. هنگامی که ضعف عمومی در زندگی اجتماعی وجود داشته باشد، افسردگی، اعتقاد به بی نظمی، خشونت، درگیری گروهی، حتی خشونت و استبداد ممکن است منتشر شود. شهر قابل زندگی باید موجب تشویق بیشترین تعداد ممکن از جلسات، برخوردها، چالش‌ها، بین افراد متنوع و گروه‌های مختلف شود. در یک شهر قابل زیست، قلمرو عمومی، آنگونه که جین جیکوبز بیان کرده است، برای یادگیری اجتماعی و اجتماعی سازی ضروری است. کودکان، مراقبت و مسئولیت و اعتماد را با مشاهده چنین رفتاری یاد می‌گیرند. یک قلمرو عمومی مفید و کارا احتیاج به میدان‌های شهری مولد زندگی دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). این فضاها باید عمومی و به راحتی در دسترس تمامی گروه‌های مختلف مردمی باشد و بتواند به صورت چند منظوره و روزانه مورد استفاده قرار گیرد و به عنوان امکاناتی برای رویدادهای اجتماعی، به ارائه دلایل متعدد برای شکل گیری گفت و شنوهای مردمی، همکاری با یکدیگر و هماهنگ فعالیت‌ها و جشن‌ها بپردازد.

شهر زیست پذیر شهری است که توسط بافت فشرده با مقیاس انسانی و به صورت شهری کوچک مقیاس و پیوسته از بلوکهای ساختمانی چند منظوره تشکیل شده است که باعث ایجاد یک جداره شهری پیوسته و محصور شدن فضای عمومی شهری می‌شود.

۲- بلوک ساختمانی‌های پیش فرض در شهر قابل زندگی در سراسر جهان فروشگاه-خانه است، با کارگاه، مغازه و با رستوران با فعالیت‌های مولد در سطح خیابان و مسکونی با خانه در بالا با ارائه چشم انداز به خیابان. مجاورت محل زندگی با محل کار، برخوردهای اجتماعی، جدایی عرصه‌های خصوصی و عمومی، همان چیزی است که باعث می‌شود که قلمرو عمومی مهمان نواز و خانه خصوصی بسیار مناسب شود (گلکار، ۱۳۸۵: ۴۵).

۳- شهر قابل زندگی فقط یک شهر است به این معنا که جداکننده گروه‌های جامعه نیست، اما تسهیل کننده گفت و گو در سراسر جامعه با وجود تفاوت‌های قومی و اقتصادی است. ترکیبات منفصل و جدا از هم مردم مناسب نیست. بافت شهری خوب، فراهم کننده انعطاف پذیری لازم برای مقرون به صرفه ساختن نرخ بازار، محل اقامت مردم و توانمندی آنها با در کنار هم قرار دادن گروه‌های مختلف مردم است (امین زاده گوهرریزی و روشن، ۱۳۹۲: ۴).

۴- شهر قابل زندگی دارای ساختار سلولی است یعنی محله کوچک از این شهر به عنوان یک بلوک مسکونی کامل، حاوی فرصت‌های شغلی متنوع، خرید، مسکن و همه زیرساخت‌های لازم نظیر مدارس، خدمات پزشکی،

و غیره در داخل یک شعاع کوتاه از مرکز آن است. فقط در آن بلوک است که امکان راه رفتن با دوچرخه به محل کار، مدرسه و یا مغازه‌ها، تسهیل جلسات و مکالمات و تعاملات اجتماعی سازنده جامعه شکل می‌گیرد. این ایده آل که در اروپا «شهر در مسافت کوتاه» نام دارد بسیار رایج است.

۵- در شهر قابل زندگی برنامه ریزان حمل و نقل بر سفر و دسترسی پذیری، به جای حرکت با وسایل نقلیه شخصی، در برنامه ریزی حمل و نقل متعادل با اولویت دادن به پیاده روی، دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی، قصد دارد تا تمام سفرها را تا جای ممکن لذت بخش، اقتصادی، ایمن، راحت، ساده و مستقل سازد، که هم برای کودکان و همچنین برای بزرگسالان در دسترس باشد. شبکه‌های گسترده‌ای از شهر به طور مداوم به دوچرخه سواری و پیاده‌روی اختصاص داده شده و به همان اندازه باعث گسترش دسترسی راحت، به ویژه برای کودکان، افراد جوان و افراد مسن شده است. برای رقابت با اتومبیل‌های خصوصی، حمل و نقل عمومی باید راحت تر، سریعتر، ارزانتر و راحت به اندازه ماشین باشد و در کنار آن بافت شهری باید مترکم و بر اساس تکنیک‌های پیچیده برنامه ریزی حمل و نقل باشد (توکلی، ۱۳۹۲: ۷).

۶- فعالیت‌ها در عرصه عمومی مانند بازارهای عرضه کالاهای کشاورزان، جشن‌ها و جشنواره‌های ساکنان را گرد هم می‌آورد. نه هر فرد را در نقش‌های تخصصی معمول، بلکه به عنوان یک انسان کامل در شهر. کاتالیزور برای شکل‌گیری زندگی اجتماعی، کافه‌ها در فضای باز و رستوران‌ها، سرو بستنی و غیره، که مردم را تشویق به صرف زمان بیشتری در فضاهای عمومی می‌نماید، حتی به هنگام شب. این نیاز احتیاج به مکانهای مناسب برای گفتگو و بازی کودکان با امکان دسترسی رایگان دارد. جشنواره جامعه به طور همزمان هم نشانگر سرزندگی و مکانیزمی برای توسعه جامعه است. برنامه ریزی و عمل، بحث در مورد تم‌ها، ساخت لباس، خلق آثار زیبا از هنر و موسیقی و به خصوص خوردن و نوشیدن با هم در فضای عمومی در جشنواره باعث گرد هم آمدن گروه‌های مختلف و گوناگون جامعه با هم می‌شود.

۷- لذتی که ساکنان و بازدیدکنندگان در یک شهر زیبا به دست می‌آورند باعث ترشح اندورفین در بدن مردم می‌شود که باعث افزایش نشاط جسمی و روانی است. شهر زیبا به عنوان یک کل شامل ترکیب ساختمان‌هایی که مکمل یکدیگر و در عین حال دارای طراحی منحصر به فرد هستند می‌باشد. چشمه‌های قابل دسترسی تفریح و بازی باعث تمرکز زندگی اجتماعی می‌شود و هنر عمومی شهر باعث غنی سازی درک این شهر می‌شود. در شهر قابل زیستن، این آثار در انحصار شرکت‌ها قرار داده نمی‌شود، بلکه برای هویت اجتماعی، به نمایندگی از این شهر و آداب و رسوم آن، میراث فرهنگی، گروه‌های قومی، صنایع دستی و ... شناخته می‌شود.

۸- هر شهر قابل زندگی دارای هویتی نهفته در معماری فضایی آن و ویژگی‌های شناخته شده توسط ساکنان این شهر دوست داشتنی است. این‌ها ممکن است شامل برخی از مصالح ساختمانی و رنگ، یک ترکیب زیبا از فرم‌های معماری، مقیاس‌های مختلف و اندازه‌های فراوان، خطوط پشت بام و با هماهنگی بافت است. ساختمانهای جدید باید به این کد ژنتیکی احترام بگذارند و منعکس کننده حداقل برخی از الگوهای آن و یا تفسیر آنها را در اصطلاح معاصر بپردازد.

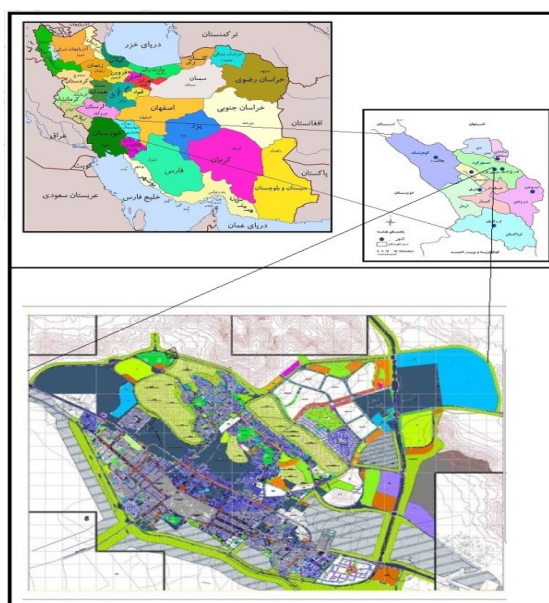
۹- اگر می‌خواهیم شهر قابل زندگی برای همه باشد، ابتدا باید آنها را قابل زندگی برای کودکان نماییم. اگر شهرهای ما فاقد سرزندگی باشد، کودکان رنج می‌برند. هر جنبه‌ای از طراحی شهر، مثل بافت مسکونی آن،

سازماندهی خیابان‌های آن و با فرم‌های معماری بر کودکان موثر باشد. در شهر قابل زیستن کودکان خود را در خانه احساس می‌کنند. آنها می‌توانند راه خود را در اطراف محل سکونت خود بیابند. قادر به شناسایی مکان‌های خاص باشند و در اصطلاح شهر خود را در کف دست خود نگه دارند. چرا که این کودکان هستند که بعد از همه این شهر را به ارث می‌برند و تبدیل به مسئول برای آینده اش می‌شوند. ایجاد شهر قابل زندگی کاری جامع و در ارتباط با زیست محیط اطراف آن است. در این شهر مانند یک ارگانیسم زنده، جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی این شهر به هم وابسته هستند. شهر باید خود را حفظ کرده و توانایی ترمیم و التیام خود را از طریق مشارکت اجتماعی داشته باشد. شهر قابل زندگی، شهر هماهنگ با شهروندان و محیط طبیعی است (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۹۶).

روش تحقیق

قلمرو پژوهش

شهرکرد یکی از شهرهای مرکزی ایران و مرکز شهرستان شهرکرد و استان چهارمحال و بختیاری است شهرکرد در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار دارد. نام پیشین آن «دهگرد» بوده است که پس از تبدیل به شهر (در شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی)، به شهرکرد تغییر نام داده شده است. براساس آمار سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت شهرکرد برابر با ۱۹۰'۴۴۱ نفر است. زبان مردم شهرکرد فارسی است که با لهجه شهرکردی تکلم می‌شود. شهرکرد مرتفع‌ترین مرکز استان در ایران است و به همین دلیل به بام ایران شهرت دارد، ولی در کل، شهرکرد جزو ۲۰ شهر مرتفع ایران است که با ارتفاع ۲۰۶۰ متر از سطح دریا، ۴۷۰ متر پایین‌تر از مرتفع‌ترین شهر ایران، فریدون‌شهر (۲۵۳۰ متر) قرار دارد. به لحاظ توپوگرافی در بخش شمالی رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. (بنی طالبی دهکردی، ۱۳۹۰: ۴۵). شکل (۱) موقعیت شهرکرد را نشان می‌دهد.



شکل (۱). موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه.

تحقیق حاضر از لحاظ هدف (نوع استفاده) یک تحقیق کاربردی است. روش مورد استفاده در این تحقیق یک روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد پژوهش در این تحقیق شامل ساکنان شهرکردمی باشد و محدوده آماری کل منطقه در بردارنده شهرکردمی باشد. تعداد جامعه آماری برابر با (۱۶۰۰۰۰) در نظر گرفته شده اند، از آنجائیکه خروجی زیست پذیری باید از دیدگاه مردم و افرادی که درگیر در زندگی شهری هستند، سوال شود، از شهروندان شهرکرداستفاده شده است. تعداد نمونه برابر ۳۸۳ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه تصادفی در دسترس تعیین شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه شامل ۲۴ سوال می‌باشد که در طیف لیکرت ۵ درجه ای از بسیار موافق(امتیاز ۵) تا بسیار مخالف(امتیاز ۱) با حد وسط ۳ بوده و در ۴ بخش(اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی) به عنوان متغیر وابسته و مدیریت شهری به عنوان متغیر مستقل هر کدام به ترتیب با تعداد ۶، ۷ و ۵ و ۶سوال مورد سنجش قرار گرفت. پاسخ های گردآوری شده به صورت میانگین کلی برای هر متغیر محاسبه شد. روایی پرسشنامه صوری بوده که به تایید ۵ تن از اساتید دانشگاه رسیده است و پایایی آن نیز بر اساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳ مورد تایید واقع شده است. داده‌های گردآوری شده بر اساس آزمون تی تست و فریدمن با نرم افزار SPSS و تحلیل مسیر معادلات ساختاری با AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش

در این قسمت با استفاده از میانگین و انحراف معیار هر یک از متغیرها به بررسی میزان پاسخگویی و جوابدهی به هر یک از متغیرها اقدام شده است جدول(۱).

جدول(۱). میانگین و انحراف از متغیرهای تحقیق

عوامل	میانگین	انحراف از معیار
بعد اجتماعی	۳,۰۸	۰,۹۲۵
بعد اقتصادی	۳,۲۴	۰,۶۸۹
بعد زیست محیطی	۲,۹۸	۰,۹۷۵
مدیریت شهری	۳,۱۶	۰,۸۶۵

بر اساس جدول(۱) مشاهده می‌گردد که متغیر بعد اقتصادی دارای بیشترین میانگین و متغیر زیست محیطی دارای کمترین میانگین می‌باشد.

آمار استنباطی

بررسی فرض نرمال بودن داده ها

برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای مطالعه از آزمون کولموگوراف- اسمیرنف یک نمونه‌ای(برای بررسی متغیرها به صورت تک تک) استفاده شده است؛ همچنین برای بررسی فرض نرمال دو متغیره از آزمون شاپیرو ویلک(برای بررسی رابطه متغیرها به صورت دو به دو) در بسته نرم افزار R استفاده شد. نتایج نشان دهنده آن

است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرها را نمی‌توان رد کرد ($P > 0/05$). نتایج این آزمون در جداول (۲ و ۳) آورده شده است.

جدول (۲). نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی پذیره نرمال بودن

متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال-غیر نرمال بودن	نتیجه
زیست پذیری شهری	۳۸۳	۰/۶۵۴	۰/۳۲۵	نرمال	تایید
بعد اجتماعی	۳۸۳	۰/۴۵۲	۰/۴۱۱	نرمال	تایید
بعد اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۶۵	نرمال	تایید
بعد زیست محیطی	۳۸۳	۰/۴۷۵	۰/۲۴۵	نرمال	تایید
مدیریت شهری	۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۳۱۱	نرمال	تایید

با توجه به جدول (۲) مشاهده می‌گردد کلیه متغیرها دارای فرض نرمال می‌باشند.

جدول (۳). نتایج آزمون شاپیرو ویلک برای بررسی پذیره نرمال دو متغیره

متغیر	حجم نمونه	آماره آزمون	سطح معناداری	نرمال-غیر نرمال بودن	نتیجه
مدیریت شهری- زیست پذیری شهری	۳۸۳	۰/۳۵۴	۰/۲۵۷	نرمال	تایید
مدیریت شهری - اجتماعی	۳۸۳	۰/۲۷۵	۰/۳۲۷	نرمال	تایید
مدیریت شهری - اقتصادی	۳۸۳	۰/۳۴۷	۰/۲۷۸	نرمال	تایید
مدیریت شهری - زیست محیطی	۳۸۳	۰/۲۳۴	۰/۳۲۴	نرمال	تایید

بر اساس جدول (۳) مشاهده می‌گردد که رابطه بین متغیرهای مختلف اثبات شده است و همگی دارای وضعیت نرمال بوده و رابطه نرمالی ما بین تمامی متغیرها برقرار می‌باشد.

تحلیل معادلات ساختاری

در این قسمت با استفاده از نرم افزار AMOS به ارزیابی و بررسی مدل پژوهش اقدام شده است که به بررسی تاثیر متغیر یا متغیرهای وابسته به متغیر مستقل اقدام شده است. بررسی‌های تحلیل عاملی تاییدی، کلیه سوالات و گویه‌های هر یک از متغیرها را مورد تایید قرار داد. برای ارزیابی مدل‌ها در معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد که موارد استفاده شده در این تحقیق عبارتند از: ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده. نتایج شاخص‌های فوق در جدول (۴) آمده است. شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب برای مدل‌های خوب برابر ۰/۰۵ یا کمتر است. مدل‌هایی که این شاخص برای آنها ۱/۰ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارند. برای این شاخص می‌توان فاصله اعتماد محاسبه نمود. ایده آل آن است که حد پایین فاصله اعتماد خیلی نزدیک به صفر باشد و حد بالایی آن خیلی بزرگ نباشد. همانطور که مشاهده می‌شود RMSEA در این مدل ۰/۰۲ است که می‌توان گفت در وضعیت مناسبی قرار دارد. هرچه GFI و AGFI به یک نزدیک‌تر باشند مدل با داده‌ها برازش بهتری دارد. در این مدل دو شاخص به ترتیب برابر ۰/۹۵ و ۰/۹۵ هستند که نشان دهنده برازش خوب مدل است.

جدول (۴). شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مطلوب	نتیجه	شاخص
$\frac{\chi^2}{df}$	۲,۵۳۲	$0 < \frac{\chi^2}{df} < 5$	تأیید مدل	مجذور کای
RMSEA	۰,۰۳۲	RMSEA < 0.05	تائید مدل	ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب
RMR	۰,۶۷۴	RMR ≥ 0	تأیید مدل	ریشه میانگین مربعات باقیمانده
GFI	۰,۹۸۹	GFI > 0.9	تأیید مدل	نیکویی برازش
AGFI	۰,۹۱۰	AGFI > 0.85	تأیید مدل	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده
NFI	۰,۹۴۲	NFI > 0.90	تأیید مدل	شاخص برازش هنجار شده (بنتلر - بونت)
CFI	۰,۹۳۱	CFI > 0.90	تأیید مدل	شاخص برازش تطبیقی
IFI	۰,۹۱۰	IFI > 0.90	تأیید مدل	شاخص برازش افزایشی

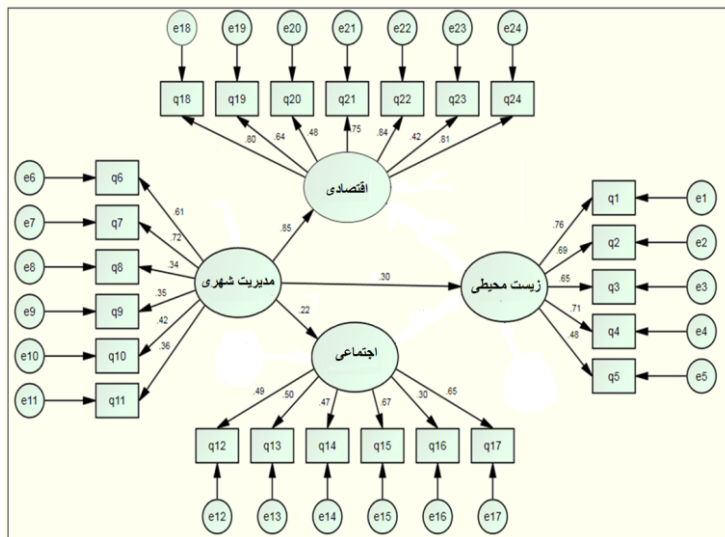
مدل شکل (۱) میزان تاثیر متغیرها بر مبنای فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد و نتایج تکمیلی در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵). بررسی مسیر و رابطه بین متغیرهای پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری

مسیر	ضریب تاثیر	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه فرض
مدیریت شهری - اقتصادی	۰,۸۵	۶,۵۵۰	۰,۰۰۰	تایید
مدیریت شهری - اجتماعی	۰,۲۲	۱۱,۷۴۹	۰,۰۰۰	تایید
مدیریت شهری - زیست محیطی	۰,۳۰	۴,۰۰۹	۰,۰۰۰	تایید

بر این اساس می‌توان بیان داشت که مدیریت شهری بر شاخص اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۲، بر شاخص اقتصادی با ضریب مسیر ۰/۸۵ و بر شاخص زیست محیطی با ضریب مسیر ۰/۳۰ اثرگذار بوده است. بر این اساس شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و شاخص اجتماعی کمترین تاثیر را پذیرفته است. نتایج به خوبی نشان از آن دارد که شاخص اجتماعی و زیست محیطی به خصوص شاخص اجتماعی از سوی مدیریت شهری، کم توجهی شده است و مدیریت شهری باید در این زمینه به خصوص بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی به تقویت این امر پرداخته و به مسائل زیست محیطی نیز توجه شود.

شکل (۱) مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل (۱). مدل نهایی پژوهش

بررسی مطلوبیت متغیرهای پژوهش

۱- زیست محیطی

بر اساس جدول (۶) مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۲/۴۵۲ می باشد همچنین میزان میانگین ۲,۹۸ بوده که از حد متوسط کمتر بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد (sig= 0.04) مورد تأیید واقع می شود. بنابراین شاخص زیست محیطی چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این امر نشانگر بی توجهی مدیریت شهری به شاخص زیست محیطی و اغفال از آن شده است.

جدول (۶). نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

ارزش آزمون = ۳		متغیر				
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار t
کران بالا	کران پایین					
۱/۶۲۵۱	۱/۰۳۵۲	۱/۰۲۳۱	۲,۹۸	۰,۰۴	۳۸۲	۸,۳۲۶

۲- اقتصادی

بر اساس جدول (۷) مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۵/۳۰۲ می باشد همچنین میزان میانگین ۳,۴۵ بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد (sig= 0.000) مورد تأیید واقع می شود. بنابراین شاخص اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. به شاخص اقتصادی از سوی مدیریت شهری در زیست پذیری شهری نسبت به دیگر شاخص ها توجه بیشتری شده است.

جدول (۷). نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

ارزش آزمون = ۳						متغیر
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار t
کران بالا	کران پایین					
۱/۵۴۶۳	۱/۱۲۳۴	۱/۲۱۳۶	۳/۴۵۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۲	۱۵/۳۰۲

۳- مدیریت

بر اساس جدول (۸) مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۷/۳۶۲ می‌باشد همچنین میزان میانگین ۳,۳۲ بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\text{sig} = 0.0008$) مورد تأیید واقع می‌شود. بنابراین شاخص مدیریت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. کارکردهای مدیریت به صورت کلی در شهرکرد در راستای زیست‌پذیری در حد مطلوب می‌باشد ولی در بخش‌های مختلف دارای ناهمگونی‌های متعددی می‌باشد که به بخش اقتصادی بیشترین توجه و به بخش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی توجه کمتری شده است.

جدول (۸). نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

ارزش آزمون = ۳						متغیر
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار t
کران بالا	کران پایین					
۱/۸۶۵۲	۱/۲۳۱۴	۱/۲۲۵۴	۳/۳۲	۰/۰۰۸	۳۸۲	۱۷/۳۶۲

۴- اجتماعی

بر اساس جدول (۹) مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۶/۶۵۴ می‌باشد همچنین میزان میانگین 2.99 بوده که از میانگین ۳ کمی کمتر بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\text{sig} = 0.03$) مورد تأیید واقع می‌شود. بنابراین شاخص اجتماعی چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این امر نشانگر بی‌توجهی مدیریت شهری به شاخص اجتماعی و دوری از آن شده است و فاکتورهای مشارکت اجتماعی و شاخص‌های روابط و تعاملات اجتماعی به صورت محدود توجه شده است.

جدول (۹). نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

ارزش آزمون = ۳						متغیر
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار t
کران بالا	کران پایین					
۱/۷۵۳۲	۱/۲۱۳۴	۱/۴۵۲۳	۲/۹۹	۰/۰۳	۳۸۲	۱۶/۶۵۴

اولویت بندی متغیرها بر اساس آزمون فریدمن

برای اولویت بندی متغیرهای زیست‌پذیری و میزان تاثیرپذیری از مدیریت شهری از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شده است جدول (۱۰).

جدول (۱۰). رتبه بندی عوامل موثر زیست پذیری

رتبه	عوامل	میانگین	رتبه میانگین
۱	اقتصادی	۳,۴۹	۳,۲۳
۲	اجتماعی	۳,۴۵	۳,۰۵
۳	زیست محیطی	۳,۳۸	۲,۸۷

بر اساس جدول (۱۰) مشاهده می‌گردد که شاخص اقتصادی دارای رتبه نخست، شاخص اجتماعی رتبه دوم و شاخص زیست محیطی دارای رتبه سوم می‌باشد. بر این اساس به شاخص اقتصادی بیش از سایر شاخص‌های در زیست پذیری در شهرکرد توجه شده است و شاخص زیست محیطی و توجه به فاکتورهای مهم آن مورد غفلت واقع شده است که این امر در شاخص اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در تجزیه و تحلیل داده‌ها و بر مبنای بررسی وضعیت هر یک از شاخص‌های زیست پذیری شهری در شهرکرد صورت گرفت مشاهده گردید که بر اساس تحلیل مسیر معادلات ساختاری مدیریت شهری بر شاخص اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۲، بر شاخص اقتصادی با ضریب مسیر ۰/۸۵ و بر شاخص زیست محیطی با ضریب مسیر ۰/۳۰ اثرگذار بوده است. بر این اساس شاخص اقتصادی بیشترین تاثیر و شاخص اجتماعی کمترین تاثیر را پذیرفته است. بر اساس آزمون تی تست هم مشاهده گردید که در شاخص زیست پذیری مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۲/۴۵۲ می‌باشد همچنین میزان میانگین ۲,۹۸ بوده که از حد متوسط کمتر بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($sig=0.04$) مورد تایید واقع می‌شود. بنابراین شاخص زیست محیطی چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در شاخص اقتصادی مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۵/۳۰۲ می‌باشد همچنین میزان میانگین ۳,۴۵ بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($sig=0.000$) مورد تایید واقع می‌شود. بنابراین شاخص اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در شاخص مدیریت مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۷/۳۶۲ می‌باشد همچنین میزان میانگین ۳,۳۲ بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($sig=0.0008$) مورد تایید واقع می‌شود. بنابراین شاخص مدیریت در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در شاخص اجتماعی مقدار t به دست آمده از بررسی آزمون برابر ۱۶/۶۵۴ می‌باشد همچنین میزان میانگین 2.99 بوده که از میانگین ۳ کمی کمتر بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($sig=0.03$) مورد تایید واقع می‌شود. بنابراین شاخص اجتماعی چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. بر این اساس شاخص اقتصادی با میانگین ۳,۴۵ در بهترین وضعیت و پس از آن شاخص مدیریت با میانگین ۳,۳۲، شاخص اجتماعی با میانگین ۲,۹۹ و در مرتبه آخر شاخص زیست محیطی با میانگین ۲,۹۸ قرار دارد. بر اساس آزمون فریدمن هم مشاهده گردید که شاخص اقتصادی با میانگین ۳,۴۹ دارای رتبه نخست، شاخص اجتماعی با میانگین ۳,۴۵ رتبه دوم و شاخص زیست محیطی با میانگین ۳,۳۸ دارای رتبه سوم می‌باشد. بر این اساس می‌توان بیان داشت که مدیریت شهری در زمینه اقدامات اجتماعی دارای کاستی‌هایی می‌باشد که باید در زمینه مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، مسائل آموزشی و بهداشتی اقدامات موثرتری انجام دهد تا بتواند در این زمینه نیز موفق عمل

نماید که البته در بحث فعالیت‌های اقتصادی در زمینه امتیازدهی به واحدهای صنعتی، ایجاد معافیت‌های مالیاتی واحدهای تجاری و صنعتی و ... موفق عمل نموده است که نتایج پژوهش نیز به خوبی این امر را نشان می‌دهد. البته در مبحث زیست‌پذیری در شهرها به خصوص در شهرکرد از سوی مسئولین و مدیریت شهری، به طور اساسی توجه نشده است و کلیه مباحث در این زمینه هم به صورت هماهنگ و هم‌پراز توجه نشده است و این امر نشان از آن دارد که اغلب اقدامات در راستای مباحث کالبدی و فیزیکی و نیز اقتصادی در شهرها پرداخته شده است و مباحث مهم زیست محیطی در ابعاد مختلف آب، خاک، هوا، انرژی و ... مورد غفلت واقع شده است و دیگری مبحث شرایط اجتماعی همچون مشارکت، فرهنگ محله محوری، رفاه اجتماعی و ... به صورت بسیار محدود توجه شده است که نیازمند است در برنامه ریزیها از بالا تا پایین به این امر توجه ویژه شود. در واقع سرمایه‌های اجتماعی و گزینه‌های اجتماعی می‌تواند پشتوانه‌ای برای حرکت به سمت و سوی زیست‌پذیری شود، این امر به گونه‌ای است که شاخص‌های مهم مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و ... می‌تواند عاملی برای فهم دقیق مسائل زیست‌پذیری و سپس توجه به زیست‌پذیری شود.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج تحقیق پری خواه زرمهر و همکاران (۱۳۹۳) که در مقاله‌ای با عنوان «سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان» اقدام کردند، همسو بوده و به این نتیجه دست یافته‌اند که رضایت مطلوبی از مولفه‌های مورد بررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد. همچنین با نتایج تحقیق جعفری اسدآبادی (۱۳۹۲) که در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار مورد مطالعه کلان‌شهر تهران»، اقدام کردند همسو بوده و به این نتیجه دست یافته‌اند که زیست‌پذیری کلانشهر تهران در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در حد متوسط به پایین ارزیابی شده است که وضعیت اقتصادی در وضعیت بهتری قرار دارد. با این روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت. بر این اساس می‌توان بیان داشت که وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری به طور کلی در وضعیت مناسبی قرار ندارند که بر اساس وضعیت شاخص اقتصادی در بهترین وضعیت و شاخص زیست‌پذیری در نامطلوب‌ترین وضعیت قرار دارد.

بر مبنای نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

- ایجاد یک دیدگاه مشترک برای تحقیقات استراتژیک درحوزه مدیریت شهری و زیست‌پذیری بین شهرکرد و سایر شهرهای پیشرو در این زمینه با ساماندهی همایش‌ها و رویدادهای مختلف.
- تقویت کارافرینی نوآور برای نمایش پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهرکرد در ترکیب با فیلم، پویانمایی، مستند رادیو، ورزش و نمایشگاه‌ها در سطح شهر در جهت کاهش بیکاری.
- همکاری دانشگاه‌ها و موسسات دانش بنیان با زیست‌پذیری در شهرکرد بر مبنای پتانسیل محله محور.
- توسعه و تقویت تعاملات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بین مردم در محلات مختلف از طریق برنامه‌های تلویزیونی و دعوت از نخبگان محلی.
- افزایش تسهیلات و خدمات وزیر ساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (حمل و نقل، کارگاه‌های آموزشی، مراکز تفریحی و فرهنگی) متناسب با زیست‌پذیری و فضای شهری در محلات مختلف شهر.

- تحقیقات پایه‌ای در جهت بهبود و ارتقاء سطح کمی و کیفی زیست پذیری شهری در واکنش به پتانسیل‌های موجود آموزشی، بهداشتی و محیطی مناسب.
- تقویت ارتباط شهر با مجامع و سازمانهای داخلی و بین المللی مرتبط با آموزش در سطوح مختلف به خصوص روشهای نوین تدریس و آموزش بر مبنای فناوریهای نوین.
- استفاده از افراد خلاق و نوآوری در برنامه ریزی فرصتهای شغلی جدید و ممانعت از توزیع ناعادلانه این فرصت ها.

منابع

- آسایش، حسین. (۱۳۸۰). *سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان*، فصلنامه جستارهای شهر سازی، ۱(۱): ۱-۲۵.
- ابراهیمی، حجت و همکاران. (۱۳۹۴). *ارزیابی فضایی کیفیت زندگی در بافتهای فرسوده شهر کوهدشت*، مجموعه مقالات همایش ملی بافتهای فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها.
- امین زاده گوهرریزی، بهرام؛ روشن، مینا. (۱۳۹۲). *ارائه روش سنجش تطبیقی زیست پذیری در محلات شهری با تأکید بر معیارهای برنامه ریزی کاربری زمین (نمونه موردی: شهر قزوین)*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان .
- بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۰). *شهر زیست پذیر از مبانی تا معانی*، تهران: انتشارات آذرخش.
- بهمنی، بهمن. (۱۳۸۹). *بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی و رابطه آن با متغیرهای نگرش دینی*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- پری خواه زرمهر، ساره و همکاران. (۱۳۹۳). *سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان*، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا.
- توکلی، هانیه. (۱۳۹۲). *برنامه ریزی ارتقاء خدمات و محیط زیست شهری برای افزایش کیفیت زندگی (مطالعه موردی محله باشگاه نفت منطقه ۲۱)*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار .
- جعفری اسدآباد، حمزه؛ عزیزی، اصغر. (۱۳۹۳). *زیست پذیری وتوسعه پایدار ضرورتی برای شهرهای امروزی*، مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
- جهانی، مریم؛ رضا پرویزی و مریم دانش شکیب(۱۳۹۷). *سنجش میزان زیست پذیری در محله سردار جنگل لاهیجان*، سومین کنفرانس بین المللی عمران ، معماری و طراحی شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس - دانشگاه میعاد با همکاری دانشگاه هنر اسلامی تبریز-دانشگاه خوارزمی - دانشگاه شهرکرد.
- جیکویز، جین. (۱۳۸۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه.

حمزبی، امیرمسعود (۱۳۹۷). دستاوردهای شهر اکولوژیک و نقش آن در پایداری شهری، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز، دانشگاه تبریز - دانشگاه شهید مدنی آذربایجان - دانشگاه علمی کاربردی شهرداری تبریز.

خادمی، امیرحسین؛ جوکار سرهنگی، عیسی. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه‌ی موردی: بافت فرسوده شهر آمل)، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱(۴): ۳۱-۵۲.

خراسانی، محمد امین و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل مفهوم زیست‌پذیری و ارتباط آن با اصول پایداری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست.

ساسان پور، فرزانه و همکاران. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵(۸۱): ۲۷-۴۲.

شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد. (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صادق‌لو، طاهره؛ سجاسی قیداری، حمداله. (۱۳۹۲). تبیین الگوی نظری نقش توسعه خدمات فضای سبز در زیست‌پذیری شهری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست.

فیروزبخت، مهرداد؛ حسین سامانی پور و منصور صدیق‌نیا (۱۳۹۷). زیست‌پذیری شهری مفاهیم و چارچوب‌ها، فصلنامه پژوهش‌های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی ۲ (۱۴): ۲۱-۴۲.

گلکار، کوروش. (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.

محمدی، محمد؛ بهرامی، صدیقه. (۱۳۹۳). ارائه الگوی فضایی توسعه شهری بر مبنای اصول شهر زیست‌پذیر (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

محمدی، نگین. (۱۳۹۲). محیط زیست و شاخص‌های آن، تهران: سازمان مدیریت و حفاظت محیط زیست ایران. نوریان، فرشاد؛ رضا قاضی و الهام رضاییان روحی (۱۳۹۷). سنجش میزان زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: محله نوده مشهد)، کنگره بین‌المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشورهای اسلامی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

یوسفی، رشید و همکاران. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست‌پذیری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست.

Cities, plus. (2010). "A sustainable urban system": the long term plan for greater Vancouver, Canada.

Do Chazel S. (2010). "THE WORLD URBAN FORUM 2006 Vancouver" working group discussion paper international center for sustainable cities.

Economist: The Economist Intelligence Units. (2005). "Quality of life index." Available at: http://www.Economist.Com/media/pdf/QUALITY_OF_LIFE

Munro, D. (1995). Sustainability: Rhetoric or Reality? In A Sustainable World. California: International Center for the Environment and Public Policy.

Timmer Vanessa and Nola- Kate S. (2012): "THE WORLD URBAN FORUM 2013 Vancouver" working group discussion paper international center for sustainable cities.

UN. (2007). **Indicators of sustainable Development: Guideliness and methodologies**, United Nations, New York, Thired Edition, Octobr. 97.

Wheeler. (2001). **Planning Sustainable and livability cities**, Stephen;

پیوست: نمونه سوالات هر شاخص

مقیاس	سوال	بسیار خوب	خوب	متوسط	بد	بسیار بد
بعد اجتماعی	۱. درصد برخورداری از فضاهای آموزشی مناسب					
	۲. کیفیت تجهیزات آموزشی					
	۳. کیفیت ساختمان های آموزشی					
	۴. کیفیت آموزش خصوصی و دولتی					
	۵. کیفیت تدریس معلمان و اساتید					
زیست محیطی	۶. میزان تأمین مصرف مواد غذایی (گوشت، سبزی و)...					
	۷. میزان تأمین مصرف انرژی (برق، گاز و)...					
	۸. میزان تأمین مصرف کالا و خدمات					
	۹. میزان وجود بیکاران در شهر					
	۱۰. میزان توانایی افراد در تکفل خانواده					
مدیریت شهری	۱۱. میزان آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه					
	۱۲. میزان کیفیت هوا					
	۱۳. میزان وارونگی هوا					
	۱۴. کیفیت آب شرب شهری					
	۱۵. میزان آلودگی ناشی از کارگاه ها و کارخانه های صنعتی					
مدیریت شهری	۱۶. تلاش مدیریت شهری در توسعه و بهبود فضای آموزشی					
	۱۷. تلاش مدیریت شهری در توسعه و بهبود فضای اوقات فراغتی و تفریحی					
	۱۸. تلاش مدیریت شهری در توسعه و بهبود مراقبت های بهداشتی و پزشکی					
	۱۹. تلاش مدیریت شهری در توسعه و بهبود امنیت فردی و اجتماعی در شهر					
	۲۰. تلاش مدیریت شهری در توسعه و بهبود پیوستگی و تعلق مکانی به شهر					